



(مقاله پژوهشی)

## طراحی الگوی مردم‌سالاری حکومتی توسط رهبری اصیل مبتنی بر آموزه‌های نهج‌البلاغه

حسن رنگریز<sup>\*</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۴

(از ص ۱۰۱ تا ۱۲۶)

### چکیده

رهبری اصیل در چهار حیطة رهبری بر خود، دیگران، سازمان‌ها و حکومت‌ها نمود دارد. تحقق مردم‌سالاری حکومتی، ضامن سلامت عملکرد رهبری اصیل در جامعه مبتنی بر آموزه‌های نهج‌البلاغه است که هدف پژوهش را تشکیل می‌دهد. روش پژوهش، کیفی و با رویکرد استقرایی است. به‌منظور استخراج مطالب، از فن تحلیل مضمون استفاده شد. منبع موردبررسی پژوهش، ۳۱ نامه از ۷۹ نامه حضرت علی(ع) است. معیار انتخاب نامه‌ها براساس دوری و نزدیکی آن به پارادایم مردم‌سالاری حکومتی توسط رهبری اصیل بوده که مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که برای الزامات ایجاد و فراگیر شدن مردم‌سالاری پایدار حکومتی توسط رهبری اصیل باید در چهار الزام فردی، گروهی، سازمانی و حکومتی و در چهار سطح مدیریت رفتار فردی، رفتار گروهی، رفتار سازمانی و رفتار حکومتی جستجو کرد. به‌نحوی که در سطح مدیریت رفتار فردی، نگاه به انتصابات مدیریتی از منابع داخلی تأمین نیرو با توجه به نظام مبتنی بر شایسته‌سالاری؛ در سطح مدیریت رفتار گروهی، استفاده از استراتژی متخصص متعهد در انتصابات مدیریتی؛ در سطح مدیریت رفتار سازمانی، توجه به اهداف، استراتژی‌ها، سیاست‌ها، برنامه‌ها، عملیات و فرایندها و در سطح مدیریت رفتار حکومتی به ضرورت‌های حکومت توجه می‌شود.

**کلید واژه‌ها:** مردم‌سالاری پایدار حکومتی، رهبری اصیل، نهج‌البلاغه، فن تحلیل مضمون.

۱. دانشیار گروه مدیریت منابع انسانی و کسب‌وکار، دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

### ۱. مقدمه

یکی از تحولاتی که در دهه‌های اخیر در دنیای سیاست و کسب‌وکارها به‌وجود آمد و محققان و برخی از رهبران سازمانی را به فکر اهمیت انگیزه‌های درونی و اصالت آنان در کنار نظریه‌های مبنایی رهبری سازمانی انداخت، مفهوم «رهبری اصیل» است. این اصطلاح در زمانی که بیل جورج، آن را در سال ۲۰۱۰ تعریف کرد، عمومیت بیشتری یافت (جورج، ۲۰۱۰: ۲۴۰). وی تلاش داشت تا با یادآوری اهمیت نقش خودآگاهی رهبران سازمانی و خلق چشم‌انداز و معنا براساس معیارهای درونی، رهبری اصیل را پیشنهاد دهد. براساس نظر وی رهبران اصیل کسانی هستند که با شناخت قطب نمای درونی خود که استعاره‌ای از ارزش‌ها و انگیزه‌های درونی خودآگاهانه است، جهت و مسیر حرکت خود را تشخیص می‌دهند (علوی، ۱۳۹۶: ۱۹۹). مفهوم رهبری اصیل ارتباط تنگاتنگی با خودآگاهی، شفافیت رابطه‌ای، پردازش متوازن و دیدگاه‌های اخلاقی درونی شده دارد (والومبوا و دیگران، ۲۰۰۸: ۹۴). واژه رهبری اصیل به فرایندی اشاره دارد که در آن اعضای از سازمان در کنار رهبر اصیل در تعامل هستند که به‌صورت خودآگاه دارای ارزش‌های مشترک و تعلقات کافی به انگیزه‌های مشترکشان هستند. با این تعریف، واژه رهبری اصیل شامل ویژگی‌های کلیدی رهبری است که رفتارها و تدابیر رهبری وی متمایز از سایرین است، چراکه نوع رهبری این نوع از رهبران، الهی‌محور بودن آنان است (کاشانی، ۱۳۹۵: ۵۵).

هر رهبر اصیلی برای اجرای سیاست‌های خود نیازمند منشور رهبری است که از آن به‌عنوان منشور حکومت یاد می‌شود. در رهبری اصیل پنج اصل وجود دارد. با سنجش و پیاده‌سازی این اصول می‌توان به منشور حکومت دست یافت. این اصول عبارتند از: ۱) در نظر گرفتن رابطه دو طرفه بین سرمایه روان‌شناختی مثبت رهبر و پیرو. تحقق این امر به اجرای «اصل مردم‌سالاری دینی» بستگی دارد؛ ۲) تبیین رابطه شفاف و باز بین رهبر و پیروان نزدیک. تحقق این امر به اجرای «اصل شفافیت حکومت» کمک می‌کند؛ ۳) توجه به هم‌راستایی بین ارزش‌های رهبر سازمانی و رفتارهای اخلاقی وی. تحقق این امر به اجرای «اصل شکل‌گیری اخلاق محوری در سیاست و تدبیر حکومتی» می‌انجامد؛ ۴) برخورداری از رویکرد مثبت برای تقویت‌کننده ویژگی‌ها و شخصیت افراد. تحقق این امر به شکل‌گیری «اصل دموکراسی سازمانی» کمک می‌نماید و ۵) تبیین تأثیرگذاری بر اصالت پیروان. تحقق این امر به «اصل بقای حکومت» می‌انجامد (بانکس و دیگران، ۲۰۱۶: ۲۵۶). پس می‌توان گفت؛ در رهبری اصیل، پنج اصل مردم‌سالاری دینی، شفافیت حکومت، اخلاق محوری در سیاست و تدبیر حکومتی، مردم‌سالاری سازمانی و بقای حکومت وجود دارد، ولی از نظر نگارنده مقاله آنچه که حائز اهمیت است محور ششمی تحت عنوان مردم‌سالاری حکومتی را نیز باید جستجو کرد که از آن به‌عنوان اصول مردم‌سالاری پایدار حکومتی یاد می‌شود.

### ۱-۱. بیان مسأله

اهمیت مسأله برای مدیران و تصمیم‌گیرندگان کلان کشورها و خرد سازمان‌ها تا اندازه‌ای است که امروزه از طریق آموزه‌های مبتنی بر نهج‌البلاغه می‌توان خطوط فکری مدیران را در قالب ارتباطات درون

و برون‌سازمانی تسهیل کرده و مشارکت افراد را افزایش داد و ارزش‌ها و نظرات ناهمگون آنان را تعدیل نمود؛ تصمیم‌گیری تحلیلی و خردمندانه را پرورش داد و عمل‌گرایی و مسئولیت‌پذیری را ترویج نمود. در خصوص تحدید مسئله این نکته را باید تأکید کرد که مردم‌سالاری پایدار حکومتی توسط رهبری اصیل یک اصطلاح بسیار گسترده‌ای است که شامل تمام فعالیت‌های مدیریتی تحت عنوان تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و کنترل است. برای اجرای این فعالیت‌ها، آموزه‌های نهج‌البلاغه کمک می‌کنند تا به اهداف و ارزش‌های بنیادی سیستم نائل شویم. ارزش‌های بنیادی همان دیدگاه‌های اخلاقی درونی و نهادینه شده در رهبرانی حکومتی در سطح کلان و رهبران سازمانی در سطح خرد است. بروز اینکه رهبر حکومتی بدون اینکه تحت فشار و تسلیم شرایط محیطی بشود، تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری نماید (والومبرا و همکاران، ۲۰۰۸: ۱۲۶-۸۹). اطلاعات کلی درباره تحقیقات انجام شده در این حوزه تخصصی براساس مطالعات یوکل (۲۰۱۲) مبین این نکته اساسی است که توجه به متغیرهای جامعه‌شناختی هم‌چون ایجاد هویت فردی و جمعی مرتبط با خود در دیگران و تأثیرگذار بر افکار، هیجانات و رفتارهای دیگران؛ تأثیرگذاری بر اصالت دیگران از طریق الگوسازی؛ تأثیرگذاری بر سرمایه‌های روان‌شناختی افراد دیگر مانند امیدواری و تاب‌آوری از طریق تسهیل یادگیری اجتماعی؛ تأثیرگذاری بر انتخاب آگاهانه افراد در موقعیت‌های انگیزاننده و حساس؛ و تأمین نیازهای روان‌شناختی بنیادین از زاویه نظریه خودتعیین‌گری در شکل‌گیری مردم‌سالاری پایدار حکومتی در مدیریت ارزشی-اسلامی تأثیر بسزایی دارد. هم‌چنین رشد خصائل اخلاقی مرتبط با رهبری اصیل این قدرت را دارند که به‌صورت خداجویی و پرهیز از خودپرستی و خودشیفتگی، رعایت حقوق فردی و اجتماعی سایر افراد؛ توجه به ارزش‌آفرینی برای جامعه در کنار کسب‌وکار سازمان و ایفای نقش شهروندی برای جامعه؛ اتکا به ارزش‌های اخلاقی متعالی کسب‌وکار در سازمان؛ توجه به محیط‌زیست؛ تلاش برای رشد اعضای سازمان؛ انضباط مالی و پاسخگویی سازمانی و مدنی؛ اهمیت دادن به مدیریت علمی از طریق توجه و به‌کارگیری الگوهای کاری مدبرانه و استفاده از علوم انسانی و مدیریتی برای یافتن راه‌حل‌های مناسب برای رشد سازمان را براساس رویکرد الهی و توحیدی برای زندگی دنیوی و اخروی جوامع انسانی تضمین کنند (علوی، ۱۳۹۶: ۲۳۳). اگر بخواهیم چارچوبی را برای ارائه نتایج پژوهش در راستای دغدغه خاطر پژوهشگر تدوین نماییم بایستی این نکته را بازگو کرد که مطالعه تحقیقات موجود نشان می‌دهد که در خصوص طراحی الگوی مردم‌سالاری پایدار حکومتی توسط رهبری اصیل مبتنی بر آموزه‌های نهج‌البلاغه یا وجود نداشته و یا به‌صورت کم‌رنگ موردبررسی قرار گرفته است و تصمیم‌گیرندگان و مدیران؛ سنجه‌هایی جهت ارزیابی وضعیت واقعی حکومت‌داری خود نداشته و در صورت داشتن ناقص بیان شده است. از این‌رو، این پژوهش بر آن است تا به بررسی جنبه مبهم این پژوهش بپردازد. جنبه مبهم این پژوهش در آن است که برخی از رهبران حکومت‌ها از استراتژی‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌های مدون تدوین شده برای مردم‌سالاری پایدار حکومتی به‌ویژه در حوزه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی با رویکرد الهی و توحیدی برخوردار نیستند و اقدامات لازم و کافی برای اینکه دولت‌ها در زنجیره عدالت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی از لحاظ منشور حکومتی

هم‌راستا باشند، صورت نگرفته است. به عبارت دیگر نقصی که در ادبیات حوزه کشورداری و حکمرانی وجود دارد، در الگوی مردم‌سالاری پایدار حکومتی توسط رهبری اصیلی مبتنی بر آموزه‌های نهج‌البلاغه دیده نمی‌شود. الگوی مزبور الگوی حکمرانی خوب را نشان می‌دهد که مشارکت همه ذینفعان، صراحت و شفافیت، رعایت مساوات و برابری توأم با عدالت و انصاف، رفتار اخلاقی و صادقانه، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی، تداوم و ثبات و پایداری را در پی دارد (بووارد و لوفر، ۱۳۹۳: ۳۷).

الگوهای موجود حکمرانی با توجه به شش نهضت مدیریت اداری و اداره امور عمومی سنتی، نهضت اداره امور عمومی جدید، نهضت مدیریت دولتی نوین، نهضت خدمات عمومی نوین، نهضت مدیریت ارزش عمومی و نهضت تلفیقی مدیریت دولتی شکل گرفته است، لیکن نهضت دیگری را باید اشاره کرد و آن نهضت اداره امور عمومی در اسلام است (دانائی‌فرد، ۱۳۹۵: ۳). در این نهضت می‌توان الگویی را تحت عنوان الگوی مردم‌سالاری پایدار حکومتی توسط رهبری اصیل مبتنی بر آموزه‌های نهج‌البلاغه طراحی نمود.

با توجه به موارد فوق می‌توان گفت؛ مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که با توجه به اینکه رهبران حکومت‌ها و دولت‌ها از الگوی خاصی در زمینه الزامات مردم‌سالاری پایدار حکومتی برای پیشرفت و حرکت به سمت جلو، تبعیت نمی‌کنند، طراحی الگوی مردم‌سالاری پایدار حکومتی توسط رهبری اصیل مبتنی بر آموزه‌های نهج‌البلاغه یک امر حتمی و الزامی است، چراکه وضعیت کشورهای اسلامی در این زمینه در حاله‌ای از ابهام قرار دارد. برای خروج از این ابهام، پژوهش حاضر به دنبال کامل کردن خلاء علمی و عملی در حوزه مردم‌سالاری پایدار حکومتی است. لذا یک اقدام اساسی برای تقویت آثار حکمرانی خوب و دور شدن از چالش‌های ناشی از نبود آن، یافتن الگو و چارچوبی از مردم‌سالاری پایدار حکومتی توسط رهبری اصیل مبتنی بر آموزه‌های نهج‌البلاغه است. از شواهد و مصادیق دقیق مسئله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: (۱) خداوند انسان‌ها را بندگان خود می‌داند؛ (۲) منفعت عامه توسط خداوند، رسول او، امامان و در نهایت ولی جامعه است که آن را تشخیص می‌دهد؛ (۳) حکومت اسلامی باید زمینه ساز رشد مردم باشد؛ (۴) همه مردم در تحقق حکومت اسلامی نقش دارند؛ (۵) آموختن از دیگران به قصد بهبودی امری پسندیده است؛ (۶) مدیریت دولتی باید روی کرامت بندگان خدا حساس باشد؛ (۷) نظام اداری باید بیش از اینکه به فکر دستور دادن باشد، خود را وقف بندگان خدا کند؛ (۸) پاسداری از حق الناس بسیار دقیق و دشوار است و (۹) حکومت اسلامی متولی تحقق دستورات الهی است (همان، ۴۴۶).

با توجه به شواهد و مصادیق دقیق مسئله، هدف این پژوهش، ارائه الگویی از مردم‌سالاری پایدار حکومتی است که ارائه این الگو می‌تواند راه‌حلی برای حل مسئله باشد و سؤال پژوهش این‌گونه مطرح می‌شود: مؤلفه‌های مردم‌سالاری پایدار حکومتی توسط رهبری اصیل در نامه‌های حضرت علی(ع) در نهج‌البلاغه چیست؟ برای پاسخ به این سؤال، پژوهش اکتشافی حاضر از نوع کیفی با رویکرد استقرایی کمک شایان توجهی را خواهد داشت.

## ۱-۲. پیشینه پژوهش

یکی از پارادایم‌های جدید در مدیریت دولتی نوین، مفهوم رهبری اصیل است و باور بر آنست که فراتر از حکومت‌داری خوب، می‌تواند زمینه را برای مردم‌سالاری پایدار حکومتی فراهم کند. اصل یکپارچگی در رفتار و گفتار و برخورداری از ارتباطات شفاف و صادقانه؛ نوع‌دوستی و کمک به دیگران با از خودگذشتگی و کاستن از منافع فردی خود در جهت تأمین نیازهای دیگران؛ فروتنی در تعامل با دیگران با نشان دادن احترام به آن‌ها و اعلام اشتباهات خود در صورت بروز و همچنین قدردانی از سهم دیگران در فعالیت‌ها؛ همدلی با دیگران با کمک به آن‌ها برای تطبیق با شرایط نامساعد روحی و ایجاد آرامش در تعارضات و تشویق افراد به بخشش دیگران؛ تشویق دیگران به رشد فردی با تسهیل محیطی برای یادگیری از طریق مربی‌گری، نظارت و اقداماتی مشابه؛ انصاف و عدالت در کارها با برخوردهای منصفانه با اعضای سازمان و طرح علنی ناعدالتی‌ها و مخالفت با سوءاستفاده عده‌ای از دیگران؛ توانمندسازی افراد با فراهم آوردن فرصت‌های مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها برای آن‌ها از طریق تفویض اختیارات لازم برای انجام کارها و به اشتراک‌گذاری اطلاعات در اختیار افراد و امکان دادن به آن‌ها برای طرح باز نظرات از مهم‌ترین اصول و ویژگی‌های رهبری اصیل است که با ویژگی‌های رهبری خدمتگزار و اخلاقی در تعامل است (براون و تروینو، ۲۰۰۶: ۶۱۰؛ علوی و گیل، ۲۰۱۶: ۱۷۱-۱۵۷). نتیجه اجرای بد استراتژی‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌های رهبری اصیل در برخی از دولت‌های بعد از انقلاب را می‌توان در عدم استقرار و پیاده‌سازی عدالت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در کشور جستجو کرد که منجر به شکل‌گیری نقدهایی بر نظریه رهبری اصیل شده است. مردم‌سالاری پایدار حکومتی دو مفهوم کلیدی دارد؛ نخست در معنای محدود خود، «رودز» ادعا می‌کند که «رهبران می‌توانند با افزودن حاکمیت به‌عنوان یک انتخاب در کنار ساختار حکومتی، مدیریت شبکه نیازهای جعبه ابزارشان را برآورده کنند (رودز، ۱۹۹۷: ۲۱۷). دوم اینکه حاکمیت بر فرایند وسیع‌تر مدیریت دلالت می‌کند که از طریق آن خطمشی عمومی تدوین و اجرا می‌شود. این چیزی است که «جسوپ» آن را «فراحاکمیت» نامید و به مدیریت شبکه‌ها محدود نمی‌شود، بلکه تمام انواع مجموعه‌های نهادی را در برمی‌گیرد که ویژگی‌های خطمشی‌گذاری عمومی را دارا هستند.

به‌دلیل نو بودن موضوع رهبری اصیل که عمومیت آن از سال ۲۰۱۰ توسط بیل جورج مطرح شد، مطالعات محدودی انجام یافته است و پژوهش یاد شده فاقد پیشینه تجربی در جهان و ایران می‌باشد. تحقیقات نشان داده‌اند که رهبری اصیل در افزایش اعتماد اعضای سازمان به رهبران سازمانی مؤثر هستند (بانکس و دیگران، ۲۰۱۶: ۶۴۰). همچنین بروز رفتارهای اصیل مبنایی برای افزایش برداشت اعضای سازمان از یکپارچگی رهبران سازمانی است. برخی تحقیقات متأخر نیز روابطی را بین رهبری اصیل و بروز آزاد عقاید و نظرات اعضای سازمان شناسایی کرده‌اند که عمدتاً براساس ایجاد جو حاوی امنیت روان‌شناختی تبیین شده است. رهبری اصیل در برخی مطالعات از عوامل تقویت خلاقیت فردی و تیمی شناخته شده است. تبیین این موضوع عمدتاً براساس تأثیر رهبران اصیل بر سرمایه‌های

روان‌شناختی مثبت اعضای سازمان (پیروان) و ارتقای انگیزه‌های درونی آن‌ها استوار است (سرنه و دیگران، ۲۰۱۳: ۷۹). طرح نتایج دو مطالعه فراتحلیل بر روی تحقیقات کمی در حوزه پیامدهای رهبری اصیل می‌تواند در اینجا ارزشمند باشد. به‌طور خاص یکی از این مطالعات به موضوع روایی افزایشی تجربی- آماری رهبری اصیل و رهبری تحولی در کنار یکدیگر پرداخته است و در دیگری نیز بخشی از بررسی مرتبط با همین موضوع بوده است. رهبری اصیل دارای تمایزات مفهومی قابل دفاعی در مقایسه با رهبری تحولی است. محققانی که چنین دغدغه‌ای دارند، به‌دنبال این هستند که دریابند که در چه زمینه‌ها و شرایطی ممکن است رهبری اصیل پیامدهای قابل‌توجه‌تر و فراتر از رهبری تحولی داشته باشد. دلیل دغدغه اشاره شده در فوق این است که رهبری اصیل و رهبری تحولی در بسیاری از تحقیقات کمی دارای همبستگی آماری بسیار زیادی هستند (حدود متوسط ۷۲ درصد) و همچنین پیامدهای مشترک بین آن‌ها زیاد است (بانکس و دیگران، ۲۰۱۶: ۶۵۲-۶۳۴).

بحث فوق نشان می‌دهد که رهیافت‌های غربی در خصوص مردم‌سالاری پایدار حکومتی توسط رهبری اصیل جوابگوی مسائل و مشکلات مبتلا به جامعه نیستند و خلاء مطالعه مردم‌سالاری پایدار حکومتی توسط رهبری اصیل مبتنی بر آموزه‌های نهج‌البلاغه به‌ویژه در نامه‌های آن حضرت نمود بیشتری پیدا می‌کند. در این نامه‌ها، آموزه‌های مختلف از جمله سه آموزه ماهیت بیعت مردم با حاکمان، ضرورت وجود حاکمان و مسئله حکومت و حقوق والی و مردم مطرح است که در الگوی طراحی شده در این پژوهش قابل‌ملاحظه است. این آموزه‌ها بستر را برای رهبران حکومت‌ها و دولت‌های حاکم بر ایران در چارچوب قانون اساسی مهیا می‌کند. رهبران اصیل برای اینکه بتوانند با شناخت قطب نمای درونی خود که استعاره‌ای از ارزش‌ها و انگیزه‌های درونی خودآگاهانه است، جهت و مسیر حرکت را به‌درستی تشخیص دهند، چاره‌ای ندارند جز اینکه با توسل به آموزه‌های نهج‌البلاغه به درجاتی از اصالت و ارزش‌های دینی و تعلقات منطقی به دنیای مادی را فراهم نمایند. این عمل باعث می‌شود که اعتبار نظریه رهبری اصیل از تحلیل نامه‌های امام علی(ع) فراهم گردد.

آموزه‌های دینی شیعه به ما می‌گویند؛ هشت شاخص برای توزیع غیر اقتدارگرایانه قدرت رهبران در نظر گرفته شده است که عبارتند از: قانون‌گرایی، اصل انتخاب زمامداران، اصل رأی‌گیری، اصل وجود و استقلال سه قوه، اصل آزادی، قوت جامعه مدنی، محاسبه‌پذیری و قداست زدایی از هیات حاکمه (حقیقت، ۱۳۸۱: ۳۷۴).

مبانی مطالعات اسلامی نظریه حکمرانی مطرح می‌کند که اصیل‌ترین مآخذ احصای رهنمودهای حاکم بر نهضت اداره امور عمومی در اسلام در ۱۱۴ سوره، ۶۲۳۶ آیه، ۷۷۴۳۲ کلمه، ۳۰ جزء و ۱۲۰ حزب ارائه شده است. علاوه بر آن، احادیث و روایات پیامبران، ائمه و اولیای خداوند و همین‌طور سیره و سنت پیامبران و ائمه و اولیای خدا، مآخذ دیگر احصای رهنمودهای هادی نظام اداره امور عمومی در اسلام شمرده می‌شوند که طراحی الگوی مردم‌سالاری پایدار حکومتی توسط رهبری اصیل مبتنی بر آموزه‌های نهج‌البلاغه در این راستا بشمار می‌آید. یکی از مطالعاتی که در این زمینه صورت گرفته است،

مطالعات پورعزت (۱۳۸۷) در کتاب مختصات حکومت حق مدار در پرتو نهج البلاغه امام علی(ع) است. در این کتاب وی مطرح می‌کند که حکومت، یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی است که شکل‌های نخستین آن با پیدایش اولین جوامع انسانی پدیدار گشته‌اند و انسان‌ها به فراخور سیر تکامل آرا و اندیشه‌های خویش، اشکال متنوعی از آن‌ها را شکل داده و تکامل بخشیده‌اند. نیک فرجام‌ترین گونه‌های حکمرانی و حکومت در طول تاریخ، توسط پیامبران برگزیده خداوند متجلی شدند؛ ولی ادبیات این نوع حکمرانی در دوره‌های کوتاه حکومت پیامبر(ص) و امام علی(ع) فراهم گردید و حکومت حق مدار مستندسازی شد؛ به طوری که هرگونه اجتماع بشری بتواند با سازوکارهای عادی به مراتبی از شاخص‌های آن دست یابد. قابل تأمل است که پرمایه‌ترین متون ادبی به جای مانده برای بازسازی این سنت الهی، مربوط به دوران حکومت کوتاه امام علی(ع) است؛ دورانی که به رغم کوتاهی، بیشترین دستاورد جامعه بشری را در تحقق عدالت اجتماعی عرضه داشته و مصادیق اجرای عدالت حق مدار را نمایان ساخته است. در این کتاب، علاوه بر بیان و معرفی خصوصیات حکومت حق مدار، شیوه ساختار حکومت حق مدار با سه قوه مجریه، مقننه و قضائیه و در سه عرصه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ترسیم شده است. از دیگر مطالعات انجام یافته در این خصوص می‌توان به مطالعات رضایی و همکاران (۱۳۹۰) در مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری اشاره کرد. آنان مطرح کردند که حکمرانی اسلامی شیوه اداره و سرپرستی و اعمال ولایت الهی توسط دولت اسلامی است. حکمرانی اسلامی دارای سه مؤلفه اصلی «روابط حکومت و مردم»، «روابط حکومت با عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی» و «نظام اداری و روابط اجزای حکومت» است. در هر یک از این مؤلفه‌ها، حکمرانی اسلامی دارای اهداف، اصول و شاخص‌هایی است که آن را به عنوان یک الگوی کامل و قابل اجرا تبیین می‌نماید. در جمع‌بندی مبانی نظری باید اذعان داشت که علیرغم مواردی که تحت عنوان رهبری اصیل بیان شده است، تاکنون هیچ اثری در رابطه با مردم‌سالاری پایدار حکومتی توسط رهبری اصیل مبتنی بر آموزه‌های نهج البلاغه نگاشته نشده است و کتاب‌ها و مقالات چاپ شده در این خصوص فقط مختصات حکومت حق مدار، شیوه اداره و سرپرستی و اعمال ولایت الهی توسط دولت اسلامی را مطرح کرده است و هیچ اشاره‌ای به رهبری اصیل در این کارها دیده نمی‌شود. لذا جای خالی کار پژوهشی که مردم‌سالاری پایدار حکومتی توسط رهبری اصیل را با کاوش در نامه‌های آن حضرت در نهج البلاغه مورد مذاقه قرار دهد، احساس می‌شود، چراکه از منظر حکومتی می‌توان گفت نامه‌های حضرت علی(ع) ارجمندترین سند یا حداقل جزء عالی‌ترین منشور حکومتی برای رهبران و سیاست‌گذاران حکومت و دولت ایران می‌تواند باشد.

### ۱-۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

دانش مردم‌سالاری پایدار حکومتی توسط رهبری اصیل، بستری را آماده می‌نماید تا حکومت‌ها، دولت‌ها و سازمان‌ها با همگرایی در هدف‌ها و ارزش بنیادی و تعیین راه‌های دستیابی به هدف‌های واقعی، به بهبود تفکر مدیریتی و اجرای فعالیت‌های مرتبط با آن در قالب تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و کنترل در

قالب آموزه‌های نهج‌البلاغه اقدام نمایند. در کمک به پاسخ به سؤال پژوهش بایستی این نکته را اشاره کرد که این عمل در گرو شناسایی مضامین پایه (کدها و نکات کلیدی موجود در متن)؛ مضامین سازمان‌دهنده (مقولات به‌دست‌آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه)؛ و مضامین فراگیر (مضامین عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به‌عنوان یک کل) است. چراکه این مضامین به‌صورت الگو رسم می‌شوند که در آن مضامین برجسته هر یک از این سه سطح همراه با روابط میان آن‌ها نشان داده می‌شود. تعمیم نتایج پژوهش‌های قبلی به پژوهش مزبور نشان از آن دارد که امروزه در کشورهای درحال توسعه، تصمیم‌گیرندگان و مدیران در نقش رهبری به اهمیت آموزه‌های مبتنی بر نهج‌البلاغه در توسعه‌سازمانی و ملی پی برده‌اند و در این راستا در حال تغییر کانون توجه از جنبه‌های غربی توسعه به جنبه‌های دینی توسعه در کشورها هستند؛ و بالاخره اگر بخواهیم در خصوص پیشبرد روش‌شناسی پژوهش بحث کنیم این نکته حائز اهمیت است که کانون توجه مطالعات میان‌رشته‌ای مدیریتی در جهان امروز به‌ویژه مطالعات مربوط به مردم‌سالاری پایدار حکومتی توسط رهبری اصیل بر مطالعات کیفی است که این پژوهش نیز از آن مستثنی نمی‌باشد. از آنجایی که یکی از مسائل روز حکومت‌ها و دولت‌ها، داشتن الگوی مدون مردم‌سالاری پایدار حکومتی توسط رهبری اصیل است و تاکنون در این زمینه الگوی خاصی طراحی نشده است، نتیجه این پژوهش طراحی الگو با رویکرد استقرایی است.

## ۲. بحث

این پژوهش از نظر هدف، یک پژوهش اکتشافی یا بنیادین؛ از لحاظ روش، از نوع کیفی و دارای رویکردی استقرایی است. از آنجایی که مقبولیت حضرت علی(ع) در بین دانشمندان دیگر مذاهب اسلامی و دیگر ادیان و حتی خدانا باوران می‌تواند مقبولیت تئوری‌های استخراج شده از کلام ایشان را ارتقاء دهد، می‌تواند برای شکل‌دهی الگویی از مدیریت و حکومت‌داری بسیار قابل‌استفاده باشد (خزائی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳). در این راستا، داده‌های این پژوهش با رجوع به ۳۱ نامه از ۷۹ نامه حضرت علی(ع) که عموماً رویکرد حکمرانی دارد، جمع‌آوری شده است. چراکه حاکمان و دولتمردان حاکم بر جامعه می‌توانند از آن برای استقرار و پیاده‌سازی مردم‌سالاری پایدار حکومتی استفاده نمایند. معیار انتخاب نامه‌ها براساس دوری و نزدیکی آن به پارادایم مردم‌سالاری حکومتی توسط رهبری اصیل است.

برای استخراج مفاهیم از متن نامه‌ها، از فن تحلیل مضمون که یک روش تحلیل کیفی قابل‌توجه، قوی و پرکاربرد برای تحلیل حجم زیادی از داده‌های پیچیده و مفصل است، استفاده شد. مضامین یا الگوهای داده‌ها را می‌توان به روش استقرایی (مبتنی بر داده‌ها) و روش قیاسی (مبتنی بر نظریه) شناخت. در روش استقرایی مضامین شناخته شده، به‌شدت با خود داده‌ها مرتبط هستند (پاتون، ۱۹۹۰: ۸۵). این روش تحلیل مضمون تا حدودی شبیه نظریه داده بنیاد است. در این روش فرایند کدگذاری داده‌ها بدون تلاش برای انطباق آن با چارچوب کدگذاری از قبل تهیه شده (یا قالب مضامین) صورت می‌گیرد. پس می‌توان گفت؛ آنچه که چارچوب مضامین را در این پژوهش به خود اختصاص داده است، روش استقرایی



مبتنی بر داده‌هاست نه روش قیاسی مبتنی بر نظریه؛ و این عمل منجر به شفافیت پژوهشگر در استفاده از روش استقرایی مبتنی بر داده‌ها شده است. این روش امتیازاتی همچون: الف) عدم محدودیت‌های دیگر روش‌ها نظیر محدودیت کاربرد تحلیل گفتمان؛ ب) عدم چهارچوب نظری کلان نظیر آنچه در نظریه‌های داده بنیاد دیده می‌شود؛ ج) عدم وابستگی به یک چارچوب تئوریک موجود از قبل؛ و د) کاربرد توأمان برای بیان و تبیین واقعیت دارد (بهادری، ۱۳۹۸: ۶۰). تحلیل مضمون روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است (سلطانی و خانی، ۱۳۹۵: ۱۲۱). از تحلیل مضمون می‌توان به‌خوبی برای شناخت الگوهای موجود در داده‌های کیفی استفاده کرد. قالب مضامین، فهرستی از مضامین را به‌صورت سلسله‌مراتبی نشان می‌دهد. شبکه مضامین نیز ارتباط میان مضامین را در نگاره‌هایی نشان می‌دهد (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۱). درنهایت، همان‌گونه که استرلینک (۲۰۰۱) بیان می‌کند، شبکه مضامین براساس یک رویه مشخص، مضامین زیر را نظام‌مند می‌کند: الف) مضامین پایه (کدها و نکات کلیدی موجود در متن)، ب) مضامین سازمان‌دهنده (مقولات به‌دست‌آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه)، ج) مضامین فراگیر (مضامین عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به‌عنوان یک کل). سپس این مضامین به‌صورت نقشه‌های شبکه وب یا الگو رسم می‌شوند که در آن مضامین برجسته هر یک از این سه سطح همراه با روابط میان آن‌ها نشان داده می‌شود.

برای اعتبارسنجی تحلیل مضمون اکثر روش‌شناسان کیفی از معیار «اعتمادپذیری یا قابلیت اعتماد» برای ارجاع به ارزیابی کیفیت نتایج کیفی استفاده می‌کنند (توینینگ، ۲۰۰۰: ۱۰). از همین دسته، «لینکلن و گوبا» برای قابل‌اعتماد بودن پژوهش‌های کیفی، معیارهایی چون: قابل‌قبول بودن، انتقال‌پذیری، قابلیت اطمینان و تأییدپذیری را ارائه کرده‌اند (سینکوویچ، ۲۰۰۸: ۶۹۳) که از طریق راهبردهای متعددی نظیر ردیابی حسابرسی‌گونه، بازبینی در زمان کدگذاری، طبقه‌بندی یا تأیید نتایج با مراجعه به آزمودنی‌ها یا منابع اسنادی، تأیید همکاران پژوهشی، تحلیل مورد کیفی، تأیید ساختاری و کفایت منابع ارجاع شده استفاده می‌شود (دانایی‌فرد و مظفری، ۱۳۸۷: ۱۶). قابل‌قبول بودن یا قابل‌باور بودن یا قانع بودن یک پژوهش، میزان معقول بودن و معنی داشتن یافته‌ها را بیان می‌کند. در این پژوهش تحلیل‌های انجام یافته در طول پژوهش مشخص نمود که پژوهشگر توانسته است رویدادها را درست تفسیر کند. انتقال‌پذیری به درجه‌ای که نتایج یک مطالعه کیفی می‌تواند به یک محیط دیگر منتقل شده و برای یک زمینه متفاوت بکار رود، اشاره دارد. پژوهشگر در این پژوهش توانسته است با توجه به شباهت زمینه موردبررسی در این پژوهش، نتایج آن را به همه دولت‌های مستقر در کشور در بازه‌های زمانی مختلف تعمیم دهد. هدف از قابلیت اطمینان آن است که فرایند جمع‌آوری داده‌ها در صورت تکرار به نتایج مشابه بیانجامد. از آنجایی که در همه مراحل کار در این پژوهش جزئیات نامه‌های آن حضرت به‌صورت استقرایی ثبت و مستندسازی شده‌اند در اختیار ۲ نفر از خبرگانی که به‌طور مستقل کدگذاری را انجام داده‌اند، قرار داده شد و آنان بر نتایج پژوهش صحه گذاشتند. تأییدپذیری به میزانی اطلاع می‌شود که یافته‌ها محصول پژوهش هستند تا پیش‌فرض‌های پژوهشگر؛ و پژوهشگر باید نشان

دهد که یافته‌های وی واقعاً مبتنی بر داده‌ها هستند. جداول مطروحه در بخش‌های بعدی این پژوهش بیان‌کننده این هدف هستند.

هم‌چنین در پژوهش حاضر، سنجه‌های مذکور به طرق راهبرد «کدگذاران مستقل» انجام پذیرفت. این راهبرد، فرایندی رایج برای ارزیابی و کنترل کیفیت تحلیل مضمون است (کینگ و هاروکس، ۲۰۱۰: ۱۶۰). هدف کدگذاری مستقل، کمک به پژوهشگر است تا به‌طور انتقادی درباره ساختار مضامین پیشنهادی خود و تصمیماتی که درباره کدها گرفته، فکر کند. برای سنجش پایایی یا قابلیت اعتماد در بین کدگذاران مستقل نیز روش‌های مختلفی وجود دارد که در این پژوهش از روش توافق درصدی استفاده شد؛ به این صورت که از دو نفر از خبرگانی که به‌طور مستقل کدگذاری را انجام داده‌اند، کدهایی پذیرفته شد و به جمع‌بندی رسید که بیش از نصف یا ۵۰ درصد از کدگذاران بر آن صحه گذاشته بودند. همان‌گونه که بیان شد در مرحله اول پژوهش، یافتن مضامین پایه مدنظر قرار گرفت. پس از استخراج جملات کلیدی و پالایش آن، ۴۰ مضمون پایه به دست آمد که در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱: داده‌های مرتبط با مضمون پایه

ردیف	مضمون پایه	داده	نشانی داده
۱	امانت الهی بودن زاممداری	قطعی است که عمل تو طعمه‌ای برای تو نیست، بلکه آن عمل امانتی است در گردن تو و تو زیر نظر کسی هستی که بالاتر از توست.	نامه ۵
۲	دوری جستن از سبک رهبری استبدادی	و برای تو شایسته نیست که درباره رعیت استبداد بورزی.	نامه ۵
۳	انتقال امانت به صاحبان اصلی آن	و در دستت مالی از مال خداوند عزوجل قرار گرفته است و تو از امانت‌داران آن هستی تا آن را به دست من برسانی.	نامه ۵
۴	شایسته‌سالاری در زاممداری	امیدوارم که من برای تو بدترین زمامداران نباشم.	نامه ۵
۵	توجه به بیعت مردم با حاکمان با رویکرد اقتضائی	همان مردمی که با ابوبکر و عمر و عثمان بیعت کردند بر همان مینا با من هم بیعت نموده‌اند، پس کسی که در این بیعت حاضر بوده است، حقی ندارد که کس دیگری را انتخاب کند و کسی که غایب بوده است، نمی‌تواند آن را رد کند. ...	نامه ۶
۶	ضرورت وجود حاکمان براساس رضای خداوند	پس اگر دور مردمی جمع شدند و او را امام نامیدند، چنین کاری مورد رضای خداوندی است. ...	نامه ۶
۷	تصمیم‌گیری مبتنی بر مستندات	و سوگند به جانم، ای معاویه اگر با عقلت بنگری نه با هوایت، در خواهی یافت که من بیزارتر از دیگر مردمان از خون عثمان هستم و قطعاً می‌فهمی که من در حادثه عثمان برکنار بودم، مگر اینکه مرا بدون دلیل و اساس متهم بسازی! ...	نامه ۶
۸	ضروری بودن احتیاط و دوراندیشی در رویارویی با دشمن	هنگامی که این نامه به تو رسید، معاویه را به نفی تردید و چندگونگی از خویشان وادار بساز و او را به اختیار یک عقیده و روش قاطعانه ملزم مدار. (اگر نپذیرفت) او را مابین جنگی که مغلوبین را از خانه‌ها و سرزمین‌شان دور کند یا تسلیمی رسواکننده مخیر بساز. اگر معاویه جنگ را پذیرفت، به او اعلام جنگ کن؛ و اگر تسلیم را قبول کرد، بیعت از او بگیر.	نامه ۸

نامۀ ۱۰	و چه خواهی کرد در آن هنگام که برکنار شود پرده‌های پوشاننده وضع امروزی تو از دنیایی که به آرایش آن شاد و مسرور گشته‌ای و با لذت تو را فریفته است. دنیایی که تو را دعوت به سوی خود کرد، آن را پذیرفتی و تو را راهنمایی کرد، تبعیت از آن نمودی و دستورت داد، اطاعتش کردی و نزدیک است بازدارنده‌ای تو را در موقعیتی باز دارد که هیچ سپری نتواند تو را از آن نجات بدهد. پس از این کار (ادعای زمامداری) کناره بگیر.	بازخواست شدید از مردان نالایق در سیاست و زمامداری	۹
نامۀ ۱۰	و اگر به این نصیحت عمل نکنی تو را از غفلتی که درباره خود مرتکب شده‌ای آگاه خواهیم کرد. زیرا تو آن خودکامه غوطه‌ور در عیش و عشرتی که شیطان آنچه را که از تو باید بگیرد گرفته و درباره تو به آرزوی خود رسیده و در وجود تو مانند روح و خون نفوذ کرده است.	توصیف ویژگی‌های حاکم خودکامه	۱۰
نامۀ ۱۸	... شنیده‌ام به قبیله بنی تمیم تندخویی و خشونت روا داشته‌ای. در صورتی که ستاره‌ای از بنی تمیم ناپدید نشده، مگر اینکه ستاره دیگری برای آنان طلوع کرده است. کسی از بنی تمیم در هیچ جنگی نه در دوران جاهلیت و نه در اسلام سبقت نگرفته است.	مراعات کسانی که اصالت‌های ریشه‌ای دارند.	۱۱
نامۀ ۱۸	ابوالعباس، خدا رحمت کند، خویشنداری کن در آنچه که از خیر و شر به زبان و دست تو جاری می‌گردد که ما در گفتار و کردار تو شریک هستیم. (فرزند عباس) همواره مورد حسن ظن باش تا نظرم درباره تو برنگردد.	خویشنداری و داشتن حسن ظن به دیگران	۱۲
نامۀ ۱۹	... آنان معاهده پناهندگی و همزیستی با مسلمین دارند. پس در کار آنان درشتی و نرمی را به هم آمیز و با آنان گاه با شدت و گاه با نرمش رفتار کن و برای آنان نزدیکی را با دور داشتن در هم بیامیز.	دستور اکید به کارگزار برای نرمش و رفتار نیکو با مردم و جامعه	۱۳
نامۀ ۲۰	و من سوگند راستین به خدا یاد می‌کنم اگر برای من اثبات شود که تو (زیاد بن ابیه) به بیت‌المال مسلمانان خیانتی کوچک یا بزرگ کرده‌ای، چنان درباره تو سخت‌گیری کنم که دست تو را از مال فراوان تهی کند و با پشت سنگین و شخصیت ناچیز رهایت سازد.	توییح قائم‌مقام کارگزار بصره و تهدید او به کیفر به دلیل خیانت در بیت‌المال	۱۴
نامۀ ۲۷	بال فروتنی را بر مردم آن سرزمین بگستران و با آنان با نرمش رفتار کن و همواره گشاده‌رو باش و به آنان در هرگونه نگاه چه گذرا و چه دقیق با تساوی بنگر تا چشم‌گیران جامعه طمع ظلم از طرف تو درباره رعیت نداشته باشند و ناتوانان از دادگری تو ناامید نگردند. ...	سیاستگذاری برای نحوه اداره کشور مصر	۱۵
نامۀ ۲۷	... پس تو (محمد بن ابی‌بکر) ملزم هستی که با نفس خود مخالفت نمایی و از دین خود دفاع کنی، اگرچه برای تو از روزگار عمرت جز ساعتی نباشد.	مخالفت با نفس و دفاع از دین و دیانت	۱۶
نامۀ ۲۸	... ای انسان (انسان‌نما) چرا در حد خود نمی‌ایستی و کوتاهی‌شان خود را نمی‌بینی! و چرا مطابق قانون الهی حاکم در هستی، عقب نمی‌نشینی! مغلوب شدن شکست‌خورده و پیروزی پیروزمند به تو چه مربوط؟! ...	ملاک زمامداری	۱۷
نامۀ ۲۸	... قطعاً شایسته‌ترین مردم به ابراهیم کسانی هستند که از او پیروی کرده‌اند و این پیامبر و کسانی که ایمان آورده‌اند و خداوند ولی مردم بالایمان است. پس اولویت ما در پیوند با پیامبر از جهتی با خویشاوندی است و از جهت دیگر با اطاعت از او است. ...	ملاک شایستگی زمامداری	۱۸
نامۀ ۳۳	گروه فراوانی از مردم را به هلاکت رساندی، آنان را به گمراهی خود فریب دادی و در موجی از دریای (کتیف) درونت انداختی که تاریکی‌ها آنان را از هر سو احاطه کند و اشتباهات آنان را در تلاطم مضطر سازد. در نتیجه از	توصیف متصدیان نالایق برای امر حکومت	۱۹

	مقصد حقیقی تجاوز کردند و به پشت سر برگشتند و راه قهقرا را پیش گرفتند و به دودمان خود تکیه نمودند، مگر گروهی از بینایان که از تو (و مقاصد تو) برگشتند. ...		
نام ۳۳	... پس درباره آنچه که (در این دنیا) مربوط به سعادت در زندگی توست، همواره محتاط و هشیار و خیرخواه و خردمند و پیرو فرمانده و در اطاعت امامت پایرجا باش و بپرهیز از ارتکاب آنچه که باید از آن پوزش طلبید و در هنگام برخورداری از نعمت‌ها خودکامه مباش.	مسئله حکومت و حقوق والی و مردم	۲۰
نام ۳۸	... این مرد مالک بن الحارث الاشر از مذبح است. از او بشنوید و فرمائش را در هر مورد که مطابق حق است اطاعت کنید، زیرا این مرد یکی از شمشیرهای خداوندی است که نه لبه آن کند است و نه ضربتی که به وجود می‌آورد، بی‌اثر است. ...	بازرزش‌ترین صفت برای بالیاقت‌ترین کارگزار	۲۱
نام ۴۱	... از خدا بترس و اموال آن مردم را به خودشان برگردان، زیرا اگر این کار را نکنی و خداوند مرا بر تو مسلط بدارد، تو را چنان مجازات کنم که عذر من در نزد خدا باشد. و با آن شمشیر تو را می‌زنم که هیچ‌کس را با آن نزد من مگر این که داخل آتش شده است. ...	توبیخ و تهدید کارگزارانی که از نظر مالی و سیاسی به جامعه خیانت می‌کنند.	۲۲
نام ۴۳	هشیار باش! حق همه کسانی از مسلمانان که با شما و ما هستند در تقسیم این غنیمت مساوی است و همه آنان از دیدگاه من با تساوی به آن غنیمت وارد می‌شوند و خارج می‌گردند.	ممنوعیت ترجیح خویشاوندان در بیت‌المال بر دیگر افراد جامعه و تهدید مرتکبان به آن	۲۳
نام ۴۵	... آگاه باش، برای هر پیروی، پیشروی است که باید از او تبعیت نماید و از علم او کسب نور کند. هشیار باش، امام شما از دنیایش به دو لباس کهنه و از خوراکش به دو قرص کفایت نموده است. بدانید شما قطعاً توانایی این قناعت را ندارید، ولی با اتصاف به پرهیزکاری و کوشش و پاکدامنی و درستکاری مرا یاری کنید. سوگند به خدا، من از دنیای شما طلایی نیندوختم و از غنیمت‌ها و منافع آن مالی جمع نکردم و برای لباس پوشیده‌ام، عوضی آماده ننمودم و حتی وجبی از زمین این دنیا حیزارت نکردم و من از قوت این دنیا نگرفتم مگر به مقدار توشه جاندارانی که پشتش مجروح شود و غذایش کم شود.	لزوم هماهنگی زمامدار و کارگزاران او با مردم و عدم امتیاز آنان در قالب حقوق والی و مردم	۲۴
نام ۴۶	و در نزد من از کسانی هستی که برای برپاداشتن دین و ریشه‌کن کردن تکبر گناهکار از او یاری می‌جویم و شکاف و رخنه مرزی را که بیم از آن می‌رود، سد می‌نمایم. در هر چیزی که برای تو اهمیت دارد از خداوند یاری بطلب و شدت را با کمی نرمش درآمیز و در هر مورد که مدارا شایسته باشد، مدارا کن و درحالی که جز سختگیری چاره‌ای نداری، تصمیم به شدت بگیر.	تأکید بر هماهنگی میان زمامدار و کارگزاران او با مردم و عدم امتیاز آنان	۲۵
نام ۵۰	... آگاه باشید، حقی که شما بر من دارید، این است که هیچ رازی را از شما مخفی ندارم مگر در مسائل مربوط به جنگ و شما را از اظهارنظر در امری کنار زنم مگر در حکمی که صادر می‌کنم و حقی که شما دارید از مورد خود به تأخیر نیندازم و در اواسط آن مورد بدون این که آن را به پایان برسانم، توقف نکنم، و همه شما نزد من درباره حق مساوی باشید. ...	بر عهده زمامداران بودن حقوق مردم	۲۶
نام ۵۲	نماز ظهر را با مردم ادا کنید تا آنگاه که سایه خورشید به مقدار دیوار خوابگاه گوسفندان بالا آمده باشد و نماز عصر را موقعی با مردم بخوانید	مدیریت همه جوامع برای حرکت در حیات	۲۷

	معمول	که آفتاب سفید و زنده و در قسمتی از روز است که بتوان در آن مدت دو فرسخ مسافت را پیمود. نماز مغرب را موقعی که روزه‌دار می‌تواند افطار کند و حج کننده به‌سوی منی حرکت کند بخوانید؛ و نماز عشاء را تا پنهان شدن شفق تا یک سوم شب با مردم به‌جای بیاورید و نماز صبحگاهی را موقعی بخوانید که هر مردی صورت رقیقش را تشخیص بدهد.
نام ۵۴	انتخاب زمامدار الهی با کمال رضایت بدون کمترین اجبار	... یقیناً شما می‌دانید اگر چه پنهان می‌دارید که من از مردم زمامداری نخواستم تا این که آنان مرا خواستند؛ و با آنان بیعت نکردم تا اینکه آنان با من بیعت کردند و قطعاً شما از کسانی بودید که با من بیعت نمودید و عموم مردم با من به جهت قدرت غالب و ثروتی حاضر، بیعت نکرده‌اند.
نام ۵۷	مشورت با مردم در امور حیاتی جامعه	من از جایگاه خود بیرون آمدم، یا ستمکار یا مظلوم، یا متجاوز یا کسی که به او تجاوز شده است؛ و من خدا را به یاد کسی می‌اندازم که اگر نامه‌ام به او برسد، به‌طرف من کوچ کند. اگر شخصی نکوکار باشم، مرا یاری کند و اگر بدکار باشم مرا ملامت کند و به من اعتراض نماید.
نام ۵۸	توضیح زمامدار به مردم درباره وقایع	آغاز جریان ما چنین شد که ما و آن قوم از شامیان رویاروی شدیم درحالی که ظاهراً پروردگار ما یکی و پیامبر ما یکی و دعوت ما به اسلام یکی بود، نه ما در ایمان به خدا و تصدیق رسول او بر آنان امتیازی داشتیم و نه آنان بر ما. موقعیت ما هم یکی بود مگر اختلافی که درباره خون عثمان داشتیم و ما از آن خون بری و درباره آن بی‌گناه بودیم. ...
نام ۵۹	تأکید بر اجرای عدالت در جامعه	هنگامی که هوای والی مختلف شود، این هوی او را از عدالت ورزیدن به‌طور فراوان مانع گردد. پس امور مردم در نزد تو مساوی باشد، زیرا حقیقت این است که ظلم به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند به‌عنوان عوض جایی از عدالت را بگیرد.
نام ۶۰	سفارش به کارگزاری که لشکریان زمامدار از مناطق حکومت آنان عبور می‌کنند.	من لشکریانی را راه انداخته‌ام که ان شاءالله از زمین شما عبور خواهند کرد و به آنان دستور داده‌ام عمل به آنچه را که از طرف خدا برای آنان تکلیف است، مانند خودداری از اذیت مردم و جلوگیری از آسیب زدن و ...
نام ۶۱	توییح شدید کارگزاری که در برابر عبور سپاه دشمن از حوزه مأموریت خود، مقاومت نموده است.	... تو ای کمیل، پلی گشته‌ای برای هر دشمنی که می‌خواهد به رعیت تو برای تاراج بنزد، نه شانه‌ای مقاوم داری و نه دارای هیبت هستی و نه سدکننده مرزی و نه شکننده شوکت و قدرت دشمنی و نه بی‌نیاز کننده مردم کشور و نه کفایت‌کننده فرمانده خویشنتی.
نام ۶۲	تأکید شدید بر دفاع از جامعه در مقابل دشمن	... آیا نمی‌بینید که شهرهایتان موردحمله و پیکار قرار می‌گیرد؟ بسیج شوید و برای جنگ با دشمنانتان کوچ کنید. ...
نام ۶۳	توییح و تهدید کارگزاری که با تمایلات شخصی خود، از اجرای تصمیم زمامدار جلوگیری می‌کند.	پس همین که فرستاده من بر تو (عبدالله بن قیس) وارد شد، دامن بر کمر بند و کمر را محکم کن و از آشیانه‌ای که به آن خزیده‌ای بیرون آی و هر کس را که با توست، دعوت کن. اگر دستور مرا قبول کردی، آن را اجرا کن و اگر به تردید و شکست در تصمیم مبتلا گشتی، از مقاومت کناره‌گیر؛ و سوگند به خدا، هر جا باشی، بر سرت آیند و رها نخواهی گشت تا این که رقیق تو با سخت تو و ذوب‌شده تو با جامد تو مخلوط گردد تا این که تو را از جایب به‌سرعت برخیزانند و از پیش رویت همان‌گونه بترسی که از پشت سرت و آنچه تو امید به آن داری چیز آسانی نیست. بلکه حادثه کوبنده

	بزرگی است که باید بر شترش سوار شد و سختی آن را هموار کرد و (برای حرکت) عبور از بلندی چون کوه را آسان نمود. ...		
نام ۶۵	حال برای تو وقت آن رسیده است که با چشم بینا از دیدن حقایق آشکار نفعی ببری. تو راه گذشتگان را در پیش گرفتی و ادعاهای باطل کردی و مردم را فریب دادی و به شبهه انداختی و مقامی را به خودت نسبت دادی که بالاتر از توست؛ و به آنچه که در اختیار و دسترس تو نیست، دست یازیدی. (این ناپکاری‌ها) همه برای گریز از حق و انکار آن حقایقی است که به تو از گوشت و خونت پیوسته‌تر است ...	موعظه و تنبیه دشمن و بیان واقعیات و حقایق برای او	۳۶
نام ۶۷	اعمال حج را برای مردم برپای دار و آنان را به ایام ربوبی متذکر باش و در هنگام بامداد و عصر برای رسیدن به امور مردم آماده‌باش و بنشین. آن کس که فتوی بپرسد، پاسخ استفتایش را بده و نادان را تعلیم و با عالم بحث و مذاکره کن.	دستور اکید برای تنظیم امور اجتماعی به‌ویژه مسائل اقتصادی	۳۷
نام ۷۰	به من خبر رسیده است که مردانی از آنان که نزد تو بودند، به‌سوی معاویه کشیده شدند. از رفتن شماری از آنان و از دست دادن کمک و یاری آنان تأسفی به خود راه مده.	آنان که از سیاست بر مبنای حق، فرار می‌کنند.	۳۸
نام ۷۱	... اگر خبری که درباره تو (منذر بن جارود عبیدی) به من رسیده است حق باشد، شتر خانواده‌ات و بند کفشت از تو بهتر است و کسی که صفت تو را داشته باشد، شایسته نیست که به‌وسیله او مرزی بسته شود و امری اجرا گردد.	کارگزاری که در مأموریتش خیانت کند، از بند کفشش پست‌تر است.	۳۹
نام ۷۶	خدا رحمت کند مردی را که حکمی را شنید، آن را فراگرفت و پذیرفت و به‌سوی رشد و کمال دعوت شد، دعوت را پذیرفت و به رشد و کمال نزدیک گشت و دامن مریی هدایت‌کننده‌ای را گرفت و رستگار شد. ...	وظیفه کارگزار، داشتن بهترین اخلاق با مردم است.	۴۰

همان‌گونه که در جدول ۱ آورده شده است، با بررسی متن نامه‌های امام علی(ع)، مضامین پایه استخراج شد. مضمون پایه، نزدیک‌ترین درون‌مایه به جملات کلیدی است. به‌عنوان مثال، مضمون نامه ۵ آن حضرت، به‌عنوان «امانت الهی بودن زمامداری» نام‌گذاری شد. هم‌چنین مضمون نامه ۸ حضرت علی(ع)، تحت عنوان «ضروری بودن احتیاط و دوراندیشی در رویارویی با دشمن» نام‌گذاری شد. روند کدگذاری به همین ترتیب تا پایان ادامه داشت. در مرحله بعد، پژوهشگر با بررسی مضامین پایه (کدهای اولیه)، چهار الزام کلی در کدها را کشف کرد. این الزامات، همان الزامات چهارگانه برای مردم‌سالاری پایدار حکومتی توسط رهبری اصیل نامیده شد، چراکه این الزامات مورد نیازند و اگر مخدوش شوند، بخشی از حکومت و دولت اسلامی ممکن است، آسیب ببیند.

الزام اول مردم‌سالاری پایدار حکومتی «الزامات فردی» نام گرفت. از آنجایی که «انسان موجودی است که هستی خود را از غیر خود دریافت می‌نماید و جهان نیز مانند انسان، هستی خویش را از غیر خود می‌گیرد و انسان و جهان یعنی «عالم و آدم» به هم مرتبط‌اند چه اینکه در یکدیگر متأثرند و هرگز بدون شناخت آن مبدأ فاعلی که هستی او عین ذات وی بوده و به انسان و جهان، هستی عطا می‌کند و آن‌ها را هماهنگ و منسجم می‌سازد معرفت انسان میسر نیست و در نتیجه شناخت سیاست جامعه انسانی و حکومت آن میسر نمی‌باشد (جوادی‌آملی، ۱۳۷۵: ۳)»، اجرای این الزام به «مدیریت رفتار فردی» بستگی

دارد. موفقیت این نوع از مدیریت، در گرو نگاه به انتصابات مدیریتی از منابع داخلی تأمین نیرو با توجه به نظام مبتنی بر شایسته‌سالاری است.

الزام دوم مردم‌سالاری پایدار حکومتی «الزامات گروهی» نام گرفت. تحقق این الزام در هر دولت و حکومتی منوط به داشتن نظم و انضباط در میان تغییر و حفظ تغییر در میان نظم است. مطالعات نشان می‌دهد که «هنر پیشرفت آن است که نظم را در میان تغییر و تغییر را در میان نظم حفظ کنید (وایتهد به نقل از تری، ۱۹۷۷: ۴۶۵). اجرای این الزام به «مدیریت رفتار گروهی» بستگی دارد. ماهیت این الزام به نحوی است که رعایت آن به ستاد زمامداران وابسته است که به‌عنوان کابینه زمامداران معروف هستند. موفقیت این نوع از مدیریت، در گرو استفاده از استراتژی متخصص متعهد در انتصابات مدیریتی است.

الزام سوم مردم‌سالاری پایدار حکومتی «الزامات سازمانی» نام گرفت. تحقق این الزام در هر دولتی به داشتن تصویری روشن از آینده سازمان و اجرای تدابیر لازم جهت تحقق آن است. مطالعات نشان از آن دارد که «تا از خود اطمینان نداشتی در انجام کاری تلاش مکن و صرفاً نیز به دلیل اینکه دیگری به تو اطمینان ندارد از انجام کاری صرف‌نظر نکن (استوارت وایت به نقل از تری، ۱۹۷۷: ۴۹۲). اجرای این الزام به «مدیریت رفتار سازمانی» بستگی دارد. موفقیت این نوع از مدیریت، در گرو توجه به فلسفه وجودی، اهداف، استراتژی‌ها، سیاست‌ها، برنامه‌ها، عملیات و فرایندها در مدیریت سازمان‌های حکومتی است.

الزام چهارم مردم‌سالاری پایدار حکومتی «الزامات حکومتی» نام گرفت. تحقق این الزام در هر حکومتی به داشتن تصویری روشن از دولت و شهروندی در اسلام، توجه به جایگاه مردم و حاشیه‌های قدرت در حکومت، توجه به داشتن الگوی مدیریت منابع انسانی در سطح کشور، اعتقاد به داشتن نقش اقشار گوناگون اجتماعی در نظام اسلامی، عبرت گرفتن از تاریخ و فرصت‌های مدیریتی، داشتن الگوی راهبرد پیروزی و عزت در مدیریت، ماهیت بیعت مردم با حاکمان، داشتن الگویی از تقوای الهی حاکمان و حاکمیت قوانین الهی در جامعه، توجه به مسئله حکومت و حقوق والی و مردم و وظایف اصلی آن، ضرورت وجود حاکمان و ترویج نهج‌البلاغه متناسب با زبان روز مدیریت» است. اجرای این الزام به «مدیریت رفتار حکومتی» بستگی دارد. موفقیت این نوع از مدیریت، در گرو توجه به بایسته‌های حکمرانی مبتنی بر آموزه‌های نهج‌البلاغه است.

در نهایت رابطه بین مضامین چهارگانه به این شکل مطرح است. حکومت‌ها در الزامات فردی به دنبال خودآگاهی، شفافیت رابطه‌ای، پردازش متوازن، دیدگاه اخلاقی درونی شده، خداجویی و پرهیز از خودپرستی و خودشیفتگی و رعایت حقوق فردی هستند؛ نگاهی که می‌تواند مدیریت رفتار فردی حاکمان و رهبران را در جامعه فراهم آورد و به سطح زیربنایی معروف است. در الزامات گروهی، بحث نوع‌دوستی و کمک به دیگران، فروتنی در تعامل با دیگران، همدلی با دیگران و تشویق دیگران به رشد گروهی مطرح است، نگاهی که می‌تواند مدیریت رفتار گروهی حاکمان و رهبران را در جامعه بسترسازی نماید و به سطح ظرفیت‌سازی معروف است. در الزامات سازمانی رعایت حقوق اجتماعی، توجه به ارزش‌آفرینی

برای جامعه، اتکاء به ارزش‌های اخلاقی تعالی محور و به کارگیری الگوهای مدیرانه مطرح است. توسعه‌ای که حاکمان می‌توانند مدیریت رفتار سازمانی را در جامعه استقرار و پیاده‌سازی نمایند و به سطح روبنایی معروف است. بالاخره در الزامات حکومتی، به داشتن حکمت و علم به مسائل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی (جعفری تبریزی، ۱۳۷۷: ۱۵۰) در راستای مسیر پیشرفت موردنظر حاکمان در جامعه اسلامی در قالب اسناد بالادستی اشاره شده است، نگاهی که می‌تواند مدیریت رفتار حکومتی را در قالب داشتن حکمت و علم به مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در جامعه مهیا نماید و به سطح بازخور معروف است. جمع‌بندی این الزامات را می‌توان در جدول ۲ ملاحظه نمود.

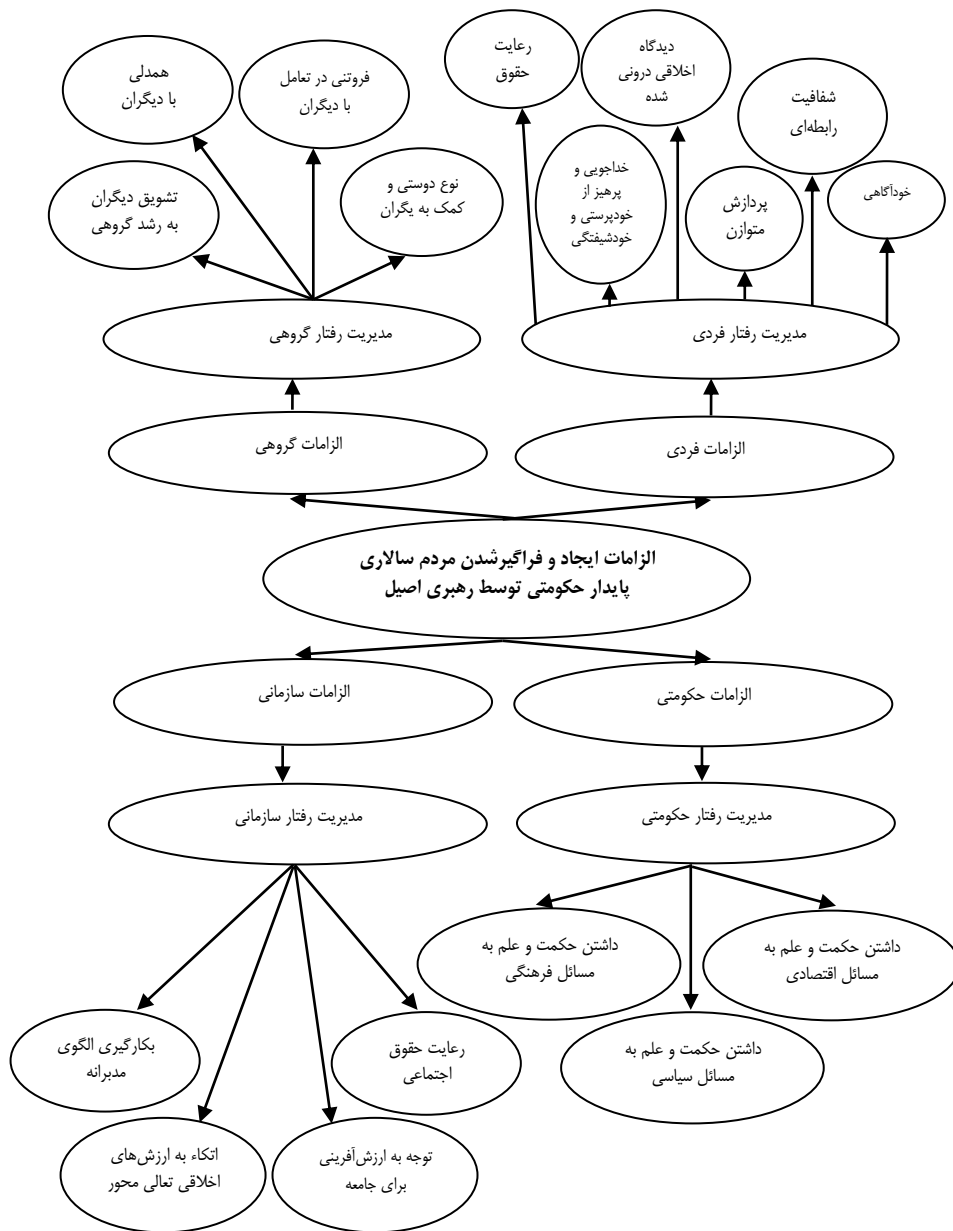
جدول ۲: مضامین پژوهش

مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
<p>خودآگاهی:</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>✓ مشورت با مردم در امور حیاتی جامعه</li> <li>✓ وظیفه کارگزار، داشتن بهترین اخلاق با مردم است.</li> </ul>	<p>جهت‌گیری مدیریت رفتار فردی</p>	<p>سطح الزامات فردی (سطح زیربنایی)</p>
<p>شفافیت رابطه‌ای:</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>✓ دستور اکید به کارگزار برای نرمش و رفتار نیکو با مردم جامعه</li> <li>✓ مدیریت همه جوامع برای حرکت در حیات معقول</li> </ul>		
<p>پردازش متوازن:</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>✓ مخالفت با نفس و دفاع از دین و دیانت</li> </ul>		
<p>دیدگاه اخلاقی درونی شده:</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>✓ انتقال امانت به صاحبان اصلی آن</li> <li>✓ تأکید شدید بر دفاع از جامعه در مقابل دشمن</li> </ul>		
<p>خداجویی و پرهیز از خودپرستی و خودشیفتگی:</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>✓ بازخواست شدید از مردان نالایق در سیاست و زمامداری</li> <li>✓ لزوم هماهنگی زمامدار و کارگزاران او با مردم و عدم امتیاز آنان در قالب حقوق والی و مردم</li> <li>✓ تأکید بر هماهنگی زمامدار و کارگزاران او با مردم و عدم امتیاز آنان</li> </ul>		
<p>رعایت حقوق فردی:</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>✓ ضرورت وجود حاکمان براساس رضای خداوند</li> </ul>		
<p>نوع دوستی و کمک به دیگران:</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>✓ خویشن‌داری و داشتن حسن ظن به دیگران</li> </ul>	<p>جهت‌گیری مدیریت رفتار گروهی</p>	<p>سطح الزامات گروهی (سطح ظرفیت‌سازی)</p>
<p>فروتنی در تعامل با دیگران:</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>✓ ملاک شایستگی کارگزاران</li> </ul>		
<p>همدلی با دیگران:</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>✓ مراعات کسانی که اصالت‌های ریشه‌ای دارند.</li> </ul>		
<p>تشویق دیگران به رشد گروهی:</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>✓ بارزترین صفت برای با لیاقت‌ترین کارگزار</li> </ul>		



<p>رعایت حقوق اجتماعی:</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>✓ امانت الهی بودن زمامداری</li> <li>✓ دوری جستن از سبک رهبری استبدادی</li> <li>✓ توصیف ویژگی‌های حاکم خودکامه</li> <li>✓ توصیف متصدیان نالایق برای امر حکومت</li> <li>✓ بر عهده زمامدار بودن حقوق مردم</li> <li>✓ انتخاب زمامدار الهی با کمال رضایت بدون کمترین اجبار</li> </ul>	<p>جهت‌گیری مدیریت رفتار سازمانی</p>	<p>سطح الزامات سازمانی (سطح روبنایی)</p>
<p>توجه به ارزش‌آفرینی برای جامعه:</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>✓ شایسته‌سالاری در زمامداری</li> <li>✓ ملاک شایستگی زمامداری</li> <li>✓ ملاک زمامداری</li> </ul>		
<p>انکاء به ارزش‌های اخلاقی تعالی محور:</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>✓ موعظه و تنبیه دشمن و بیان واقعیات و حقایق برای او</li> </ul>		
<p>به‌کارگیری الگوی مدیرانه:</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>✓ ضروری بودن احتیاط و دوراندیشی با رویارویی با دشمن</li> <li>✓ ممنوعیت ترجیح خویشاوندان در بیت‌المال بر دیگر افراد جامعه و تهدید مرتکبان به آن</li> </ul>	<p>جهت‌گیری مدیریت رفتار حکومتی</p>	<p>سطح الزامات حکومتی (سطح بازخور)</p>
<p>داشتن حکمت و علم به مسائل اقتصادی:</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>✓ توبیخ قائم‌مقام کارگزار بصره و تهدید او به کیفر به دلیل خیانت در بیت‌المال</li> <li>✓ توبیخ و تهدید کارگزاری که از نظر مالی و سیاسی به جامعه خیانت می‌کنند.</li> <li>✓ توبیخ شدید کارگزاری که در برابر عبور سپاه دشمن از حوزه مأموریت خود، مقاومت ننموده است.</li> <li>✓ توبیخ و تهدید کارگزاری که با تمایلات شخصی خود، از اجرای تصمیم زمامدار جلوگیری می‌کند.</li> <li>✓ دستور اکید برای تنظیم امور اجتماعی به‌ویژه مسائل اقتصادی</li> <li>✓ کارگزاری که در مأموریتش خیانت کند، از بند کفشش پست‌تر است.</li> </ul>		
<p>داشتن حکمت و علم به مسائل سیاسی:</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>✓ توجه به بیعت مردم با حاکمان با رویکرد اقتضائی</li> <li>✓ مسئله حکومت و حقوق والی و مردم</li> <li>✓ تصمیم‌گیری مبتنی بر مستندات</li> <li>✓ سیاست‌گذاری برای نحوه اداره کشور مصر</li> <li>✓ آنان که از سیاست بر مبنای حق، فرار می‌کنند.</li> </ul>		
<p>داشتن حکمت و علم به مسائل فرهنگی:</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>✓ تأکید بر اجرای عدالت در جامعه</li> <li>✓ سفارش به کارگزاری که لشکریان زمامدار از مناطق حکومت آنان عبور می‌کند.</li> </ul>		

با توجه به جدول ۲ می‌توان نمای تصویری یا شبکه مضامین پژوهش را در قالب شکل ۱ نشان داد.



شکل ۱: شبکه مضامین پژوهش

### نتیجه گیری

یکی از مفاهیم جدید در حوزه میان‌رشته‌ای مدیریت منابع انسانی، مفهوم مردم‌سالاری پایدار حکومتی توسط رهبری اصیل است که در سال‌های اخیر مورد توجه پژوهشگران حوزه‌های مختلف قرار گرفته است. مفهوم مردم‌سالاری پایدار حکومتی در پژوهش‌های دانشگاهی ایران توجهات زیادی را به خود جلب کرده است، اما پژوهش‌هایی که با نحلّه فلسفه دینی آن را مورد ملاحظه قرار دهند، چندان قابل توجه نیستند. لذا این پژوهش، مؤلفه‌های مردم‌سالاری پایدار حکومتی توسط رهبری اصیل در نامه‌های حضرت علی(ع) در نهج‌البلاغه را در قالب یک الگوی مدون مطرح ساخت.

این الگو شامل چهار سطح از الزامات برای شکل‌گیری و ایجاد حکومت‌داری پایدار توسط رهبری اصیل است: الزام اول مردم‌سالاری پایدار حکومتی «الزامات فردی» نام گرفت. در این الزام، «مدیریت رفتار فردی» (سطح زیربنایی) مطرح است. تأکید اصلی این الزام در نامه‌های آن حضرت بر ابعاد خودآگاهی منجر به بروز فهم رهبر از معنابخشی به جهان پیرامون شده و تأثیر بسزایی بر فهم او درباره خودش در طی زمان می‌شود که این بعد در نامه‌های ۵۷ و ۷۶ آن حضرت دیده می‌شود. در نامه‌های مزبور امام بر مشورت با مردم در امور حیاتی جامعه از یک‌سو و داشتن بهترین اخلاق برای کارگزاران از سوی دیگر، تأکید دارد. بعد شفافیت رابطه‌ای بر بروز خودی اصیل به دیگران به‌جای نمایشی بدلی از خود اشاره دارد که در نامه‌های ۱۹ و ۵۲ قابل ملاحظه است. در این نامه‌ها دستور اکید امام به کارگزاران برای نرمش و رفتار نیکو با مردم جامعه تأکید دارد. هم‌چنین حیات معقول را به رخ رهبران حکومت‌ها به تصویر می‌کشد. پردازش متوازن به‌عنوان سومین بعد مورد بررسی، به بروز شواهدی اشاره دارد که نشان‌دهنده این است که رهبران کلیه داده‌های عینی را قبل از اینکه به نتیجه برسد بررسی نموده و دیدگاه‌هایی که منجر به چالش افکار و مواضع آنان می‌شود را مورد توجه قرار دهند که در نامه ۲۷ آن حضرت قابل کنکاش است. چراکه امام بر مخالفت با نفس و دفاع از دین و دیانت برای رهبران حکومت‌ها و دولت‌ها تأکید دارد. بعد دیدگاه اخلاقی درونی شده اشاره می‌کند که از آنجایی که رهبران دارای مکانیزم‌های خودتنظیمی هستند که در آن ارزش‌های درونی شده‌ای رفتارها و تصمیمات آنان را شکل می‌دهد و بدون اینکه تحت فشار و تسلیم شرایط محیط شوند، درک نمایند. این بعد در نامه‌های ۵ و ۶۲ قابل بررسی است. نامه‌هایی که آن حضرت به انتقال امانت حکمرانی به صاحبان اصلی آن از یک‌سو و تأکید شدید رهبران بر دفاع از حقوق جامعه در قبال دشمن از سوی دیگر، اشاره دارد. خداجویی و پرهیز از خودپرستی و خودشیفتگی از دیگر ابعاد مورد بررسی در الزامات فردی است. خودپرستی به گرفتار شدن نفس خویش و خودشیفتگی به شیفته بودن خود که ناشی از اختلالات روحی و روانی است، اشاره دارد که در نامه‌های ۱۰ و ۴۶ امام قابل بررسی است. خداجویی باعث می‌شود که رهبران حکومتی از مردان نالایق در سیاست بازخواست شدیدی داشته باشند. این عمل امکان‌پذیر نیست مگر آنکه لزوم و تأکید بر هماهنگی مابین زمامداران و کارگزاران با مردم بیشتر شود؛ و بالاخره رعایت حقوق فردی که در نامه ۶ آن حضرت دیده می‌شود تأکید بر ضرورت وجود حاکمانی دارد که براساس رضای خداوند ایفای

نقش در جامعه داشته باشند. ماهیت این الزام به نحوی است که رعایت آن به خود زمامداران وابسته است. موفقیت این نوع از مدیریت، در گرو نگاه به انتصابات مدیریتی از منابع داخلی تأمین نیرو با توجه به نظام مبتنی بر شایسته‌سالاری است.

الزام دوم مردم‌سالاری پایدار حکومتی «الزامات گروهی» نام گرفت. در این الزام، «مدیریت رفتار گروهی» (سطح ظرفیت‌سازی) مطرح است. تأکید اصلی این الزام در نامه‌های آن حضرت بر ابعاد زیر می‌باشد: نوع دوستی و کمک به دیگران حتی با از خودگذشتگی و کاستن از منافع فردی خود در جهت تأمین نیازهای دیگران انجام می‌پذیرد که در نامه ۱۸ آن حضرت دیده می‌شود به نحوی که ایشان خویشن‌داری و داشتن حسن ظن نسبت به دیگران را به حاکمان گوشزد می‌کند. بعد دیگر به فروتنی در تعامل با دیگران اشاره دارد که به معنی نشان دادن احترام به دیگران و اعلام اشتباهات خود در صورت بروز و همچنین قدردانی از سهم دیگران در فعالیت‌ها می‌باشد که امام علی(ع) در نامه ۲۸ آن را ملاک شایستگی کارگزاران می‌داند. بعد دیگر همدلی با دیگران است که در نامه ۱۸ امام تأکید دارند که مراعات کسانی که اصالت‌های ریشه‌ای دارند، باید انجام پذیرد؛ و بالاخره آخرین بعد در این الزام تشویق دیگران به رشد فردی است که با تسهیل محیطی برای یادگیری از طریق مربی‌گری، نظارت کردن و اقداماتی مشابه انجام می‌گیرد که در نامه ۳۸ آن حضرت تحت عنوان «بازرزش‌ترین صفت برای با لیاقت‌ترین کارگزار بیان شده است. ماهیت این الزام به نحوی است که رعایت آن به ستاد زمامداران وابسته است که به عنوان کابینه زمامداران معروف هست. اجرای این نوع از مدیریت، در گرو استفاده از استراتژی متخصص متعهد در انتصابات مدیریتی است.

الزام سوم مردم‌سالاری پایدار حکومتی «الزامات سازمانی» نام گرفت. در این الزام «مدیریت رفتار سازمانی» (سطح روبنایی) مطرح است. تأکید اصلی این الزام در نامه‌های آن حضرت بر ابعاد رعایت حقوق اجتماعی به عنوان یکی از موارد حائز اهمیت در رشد خصائل اخلاقی مرتبط با حاکمان است که در نامه ۵ آن حضرت قابل ملاحظه است. چراکه امام در این راستا به امانت الهی بودن زمامداری، دوری جستن از سبک رهبری استبدادی، توصیف ویژگی آن دسته از حاکمان خودکامه و متصدیان نالایق برای امر حکومت که به رعایت حقوق اجتماعی نمی‌پردازند، اشاره دارد. همچنین آن حضرت رعایت حقوق مردم را بر عهده زمامداران دانسته و انتخاب زمامداران الهی را با کمال رضایت بدون کمترین اجبار تأکید دارند. توجه به ارزش‌آفرینی برای جامعه در کنار کارهای اصلی رهبران و ایفای نقش شهروندی برای جامعه از دیگر فضائل اخلاقی رهبران بشمار می‌آید که در نامه‌های ۵ و ۲۸ آن حضرت تحت عنوان شایسته‌سالاری در زمامداری و ملاک شایستگی زمامداری قابل کنکاش است. اتکا به ارزش‌های اخلاقی تعالی‌محور که از ارزش‌های درونی رهبران بشمار می‌آید در نامه ۶۵ امام دیده می‌شود. چراکه ایشان موعظه و تنبیه دشمن و بیان واقعیات و حقایق برای حاکمان را گوشزد می‌کند؛ و بالاخره آخرین بعد به کارگیری الگوی مدبرانه که به معنی داشتن بصیرت، زمان‌شناسی و اولویت‌دهی و تأکید مضاعف بر تعامل مثبت و سازنده و همدلی و همراهی با دیگران اشاره دارد. امام در نامه‌های ۸ و ۴۳ بر ضروری

بودن احتیاط و دوراندیشی در رویارویی با دشمن و ممنوعیت ترجیح خویشاوندان در بیت‌المال بر دیگر افراد جامعه و تهدید مرتکبان به آن را به صورت مدبرانه بیان می‌کنند. ماهیت این الزام به نحوی است که رعایت آن به نوع فرایند ارتباطات و رهبری زمامداران وابسته است. اجرای این نوع از مدیریت، در گرو توجه به فلسفه وجودی، اهداف، استراتژی‌ها، سیاست‌ها، برنامه‌ها، عملیات و فرایندها در ساختار حکومت‌ها و دولت‌ها است.

الزام چهارم مردم‌سالاری پایدار حکومتی «الزامات حکومتی» نام گرفت. در این الزام، «مدیریت رفتار حکومتی» (سطح بازخور) مطرح است. تأکید اصلی این الزام در نامه‌های آن حضرت بر ابعاد زیر است: داشتن حکمت و علم<sup>۱</sup> به مسائل اقتصادی که در نامه ۲۰ (توبیخ قائم‌مقام کارگزار بصره و تهدید او به کیفر به دلیل خیانت در بیت‌المال)، نامه ۴۱ (توبیخ و تهدید کارگزاری که از نظر مالی و سیاسی به جامعه خیانت می‌کنند)، نامه ۶۱ (توبیخ شدید کارگزاری که در برابر عبور سپاه دشمن از حوزه مأموریت خود، مقاومت ننموده است)، نامه ۶۳ (توبیخ و تهدید کارگزاری که با تمایلات شخصی خود، از اجرای تصمیم زمامدار جلوگیری می‌کند)، نامه ۶۷ (دستور اکید برای تنظیم امور اجتماعی به‌ویژه مسائل اقتصادی) و نامه ۷۱ (کارگزاری که در مأموریتش خیانت کند، از بند کفشش پست‌تر است)، نمود دارد. داشتن حکمت و علم به مسائل سیاسی که در نامه ۶ (توجه به بیعت مردم با حاکمان با رویکرد اقتضائی و تصمیم‌گیری مبتنی بر مستندات، نامه ۲۷ (سیاست‌گذاری برای نحوه اداره کشور مصر)، نامه ۳۳ (مسئله حکومت و حقوق والی و مردم) و نامه ۷۰ آن حضرت (آنان که از سیاست بر مبنای حق، فرار می‌کنند)، قابل‌ملاحظه و کنکاش است. همچنین داشتن حکمت و علم به مسائل فرهنگی مردم در نامه ۵۹ (تأکید بر اجرای عدالت در جامعه) و نامه ۶۰ (سفارش به کارگزاری که لشکریان زمامدار از مناطق حکومت آنان عبور می‌کند)، نمود دارد. تحقق این الزام در هر حکومتی در قالب سه نوع حکمت و علم بیان شده، به داشتن تصویری روشن از دولت و شهروندی در اسلام، توجه به جایگاه مردم و حاشیه‌های قدرت در حکومت، توجه به داشتن الگوی مدیریت منابع انسانی در سطح کشور، اعتقاد به داشتن نقش اقشار گوناگون اجتماعی در نظام اسلامی، عبرت گرفتن از تاریخ و فرصت‌های مدیریتی، داشتن الگوی راهبرد پیروزی و عزت در مدیریت، ماهیت بیعت مردم با حاکمان، داشتن الگویی از تقوای الهی حاکمان و حاکمیت قوانین الهی در جامعه، توجه به مسئله حکومت و حقوق والی و مردم و وظایف اصلی آن، ضرورت وجود حاکمان و ترویج آموزه‌های نهج‌البلاغه متناسب با زبان روز مدیریت» وابسته است. اجرای این نوع از مدیریت، در گرو توجه به بایسته‌های حکمرانی مبتنی بر آموزه‌های نهج‌البلاغه است.

پژوهش‌های پیشین؛ خلاء یک الگوی سلسله‌مراتبی را به‌خوبی پر نکرده است. به‌عنوان مثال، علیرغم اینکه مطالعات بانکس و دیگران (۲۰۱۶)، کرینلیف (۱۹۷۰)، براون و تروینو (۲۰۰۶)، علوی و گیل

۱. واژه حکمت چنان که در فرهنگ نامه‌ها از جمله مفردات راغب آمده، به معنای رسیدن به حقیقت به وسیله علم و عقل است. علامه طباطبائی در باره معنای واژه حکمت می‌گوید: حکمت یعنی نوعی از محکم کاری یا کار محکمی که سستی و رخنه‌ای در آن راه دارد و غالباً در معلومات عقلی واقعی که ابدأ قابل بطلان و کذب نیست استعمال می‌شود (طباطبائی، ۱۳۸۲: ۳۹۵).

(۲۰۱۶)، سیونگ (۲۰۱۲) و سرنه و دیگران (۲۰۱۳) اصول و ویژگی‌های رهبری اصیل را مطرح ساختند، ولی هیچ‌یک از این مطالعات با محوریت مردم‌سالاری پایدار حکومتی مبتنی بر فضائل دینی و اخلاق حکمرانی و رهبری تعالی‌یابنده که بتواند علاوه بر رهبری بر خود، رهبری بر دیگران، رهبری بر ساختارهای حکومتی در الگوهای خود بنا نهاده نشده است و الگوی مطرح‌شده در این پژوهش با وارد کردن تغییری به نام رهبری اصیل به موضوعات فوق برجستگی و نوآوری موضوع را نشان می‌دهد. هر چند مطالعات یوکل (۲۰۱۲)، علوی (۱۳۹۶) و رودز (۱۹۹۷) به بحث دموکراسی پایدار حکومتی اشاره دارند. همچنین، مطالعات فوق به غیر از مطالعات علوی (۱۳۹۶) مطابقت با تعالیم دینی ندارند و مشخص نیست که مینا قرار دادن این اصول و ویژگی‌ها برای استخراج مطالب دینی چقدر معتبر باشد. از همین رو، در پژوهش حاضر، رویکرد کیفی اتخاذ شد تا بتوان با آزادی بیشتر، آموزه‌های حضرت علی(ع) برای حکومت‌داری پایدار حکومتی توسط رهبری اصیل بررسی شود، رویکردی که کمک کرد تا سطوح الزامات چهارگانه فردی، گروهی، سازمانی و حکومتی خود را نمایان ساختند.

در خصوص رهنمودها و پیشنهادهای صریح و ضمنی برخاسته از الگو برای ادبیات حکمرانی و کشورداری توجه به موارد زیر خالی از لطف نیست: ۱) با توجه به جنبه‌های مرتبط با رهبری تعالی محور، چشم‌انداز و مأموریت‌های رهبران حکومت‌ها و دولت‌های اسلامی بایستی در راستای استقرار و پیاده‌سازی الزامات مطرح‌شده در سطح زیربنایی (الزامات فردی) که مورد تأکید امام علی(ع) بوده است، انجام پذیرد. لازمه انجام این الزامات توجه به نظام مبتنی بر شایسته‌سالاری در انتصابات مدیریتی است؛ ۲) به‌عنوان رهبر حکومتی تلاش کنیم در تعاملات گروهی خود به سطح ظرفیت‌سازی اعضای بکار گرفته شده در ستاد زمامداران (کابینه) توجه ویژه داشته باشیم. لازمه انجام این کار استفاده از استراتژی متخصص متعهد در انتصابات مدیریتی است؛ ۳) برای ایجاد هر گونه تغییر و تحول در ساختار سازمانی سازمان‌های مستقر در حکومت‌ها و دولت‌ها به سطح زیربنایی توجه وافر داشته باشیم. این توجه در گرو استقرار فرایند ارتباطات سازمانی و رهبری زمامداران با عنایت به فضائل اخلاقی و دینی آنان است و ۴) برای پویایی و به‌روز بودن قواعد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی حکمرانی توجه به حکمت و علم در قالب یکی از مهم‌ترین اجزاء هر نظام حکومتی یعنی بازخور دادن و گرفتن حائز اهمیت است. اجرای سطح بازخور در گرو توجه به بایسته‌های حکمرانی مبتنی بر آموزه‌های نهج‌البلاغه است.

براساس یافته‌های پژوهش می‌توان پیشنهادهایی را برای مدیران دولتی در ایران ارائه کرد که بخشی از آن‌ها به شرح زیر است:

۱. روی آوردن به اصل مردم‌سالاری دینی براساس نگاه‌های سه وجهی گذشته، حال و آینده‌نگر حضرت علی(ع) با تأکید بر نظام مبتنی بر شایسته‌سالاری در انتصابات مدیریتی؛
۲. با ایجاد انگیزه تقویت خودآگاهی، فرصت‌هایی را ایجاد کنیم تا بتوانیم بدون سوگیری، اداره امور جامعه را مدیریت کنیم.
۳. نوع‌دوستی و کمک به دیگران در گرو داشتن نگرش حسن ظن مدیران به جامعه امکان‌پذیر است.

۴. برای ارتقاء خصائل اخلاقی در جامعه، توجه به برنامه انتصابات مدیریتی در کابینه زمامداران لازم و ضروری است.
۵. اتکا به ارزش‌های اخلاقی تعالی‌محور مرکز ثقل حکمرانی در سطح کلان و مدیریت در سطح خرد سازمان‌ها است.
۶. روراست بودن با خود و دیگران در تعاملات گروهی با در نظر گرفتن انگیزه‌های والا و خیرخواهانه برای دیگران؛
۷. داشتن و به‌کارگیری الگوی مدیرانه دولت‌ها، بقای آن‌ها را تضمین می‌کند.
۸. اولویت گذاشتن بر خدمت به مردم و شهروندان در جهت اجرای اصل شفافیت در تصمیم‌گیری کلان کشور براساس حکمت و علم به مسائل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی؛
۹. بسترسازی برای شکل‌گیری اخلاق‌محوری در سیاست و تدابیر حکومتی در جهت کاهش سوءظن‌ها و بدگمانی‌ها براساس بایسته‌های حکمرانی؛
- مخاطب خاص پژوهش؛ دولتمردان، سیاستمداران، تصمیم‌سازان، برنامه‌ریزان و کنترل و نظارت‌کنندگان هستند. برای اجرایی کردن پیشنهادهای ارائه‌شده در پژوهش نیازمند اقدامات زیر هستیم:
۱. ایجاد شفافیت برای چه، چگونه و چرایی استقرار و پیاده‌سازی اصل مردم‌سالاری دینی در جامعه؛
۲. اداره امور جامعه براساس آموزه‌های نهج‌البلاغه؛
۳. راه‌اندازی فرهنگ‌سازمانی تعالی‌محور در سازمان‌ها به‌ویژه سازمان‌های دولتی؛
۴. توجه به همه گروه‌های سیاسی بدون سیاسی‌کاری در انتصابات مدیریتی در ستاد اجرایی زمامداران؛
۵. راه‌اندازی سیستم پایبندی به ارزش‌های اخلاقی تعالی‌محور در سازمان‌ها؛
۶. راه‌اندازی فرهنگ‌سازمانی تیمی و گروهی در سازمان‌ها؛
۷. اجرایی کردن اصل احتیاط در الگوی مدیرانه دولت‌ها؛
۸. تدوین شاخص‌های کمی و کیفی قابل‌اندازه‌گیری در حوزه مسائل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور؛
۹. اجرایی کردن بایسته‌های حکمرانی براساس آموزه‌های نهج‌البلاغه در قالب الگوی طراحی‌شده پژوهش.

محدودیت‌های پژوهش را می‌توان در قالب موارد زیر عنوان کرد:

۱. این پژوهش در قالب مردم‌سالاری حکومتی توسط رهبری اصیل مبتنی بر آموزه‌های نهج‌البلاغه طراحی و تجزیه و تحلیل شده است و قابلیت تعمیم به سایر سبک‌های رهبری همچون رهبری مشارکتی، رهبری کاریزما، رهبری عملگرا، رهبری تحول‌گرا، رهبری خدمتگزار، رهبری کوانتومی و رهبری مبتنی بر علوم اعصاب نمی‌باشد.
۲. روش‌شناسی بکار گرفته شده در این پژوهش تحلیل مضمون کیفی با رویکرد استقرایی می‌باشد و قابلیت کمی کردن مؤلفه‌های کیفی به‌سختی انجام می‌پذیرد.

۳. در این پژوهش فقط نامه‌های امام علی(ع) که مرتبط با مردم سالاری حکومتی می‌باشد تحلیل شده است و خطبه‌ها و توصیه‌های آن حضرت اشاره و تحلیل نشده است.
۴. ضعف ادبیات موضوعی در خصوص رهبری اصیل مرتبط با آموزه‌های دینی در منابع دانشگاهی از دیگر محدودیت‌های پژوهش به‌شمار می‌آید.
۵. این مطالعه کتابخانه‌ای انجام پذیرفته است، بهتر است با انجام مصاحبه با نخبگان حوزه و دانشگاه در این خصوص این محدودیت را برطرف کرد.



## منابع

- بووارد، تونی و لوفرا، الکه. (۱۳۹۲). **حکمروایی و مدیریت عمومی**. مترجم: اشرف رحیمیان، تهران: موسسه نشر شهر.
- بهادری، آتنا. (۱۳۹۸). «تحلیل مضمون عهدنامه امیرالمؤمنین علی(ع) با مالک اشتر». **فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه**، سال هفتم، شماره ۲۸، ۷۷-۵۷.
- پورعزت، علی اصغر. (۱۳۸۷). **مختصات حکومت حق مدار در پرتو نهج البلاغه امام علی(ع)**. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- حقیقت، سید صادق. (۱۳۸۱). **توزیع قدرت در اندیشه سیاسی شیعه**. تهران: هستی نما.
- خزائی، داود؛ افجه‌ای، سید علی‌اکبر؛ خاشعی، وحید و فریبهی، احمد. (۱۳۹۸). «الگوی نظری مدیریت جهادی با استفاده از سخنان امیرالمؤمنین(ع) در نهج البلاغه». **فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه**. سال هفتم، شماره ۲۷، ۲۴-۱.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۵). **تفسیر موضوعی قرآن مجید**. تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- جعفری تبریزی، محمدتقی. (۱۳۷۷). **ترجمه و تفسیر نهج البلاغه**. جلد ۲۷، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- دانایی‌فرد، حسن و مظفری، زینب. (۱۳۸۷). «ارتقاء روایی و پایایی در پژوهش‌های کیفی مدیریتی: تأملی بر استراتژی‌های ممیزی پژوهشی». **فصلنامه پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی**. سال ۱، شماره ۱، ۱-۲۳.
- رضایی، حسن؛ دهقانی، روح‌الله؛ کیانپور، مهرداد. (۱۳۹۰). **طراحی الگو و مؤلفه‌های اساسی حکمرانی اسلامی**. تهران: مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.
- سلطانی، محمدرضا و خانی، علی. (۱۳۹۵). «استخراج معیارهای ارزیابی عملکرد دستگاه‌های فرهنگی مبتنی بر انتظارات و مطالبات مقام معظم رهبری». **فصلنامه مدیریت اسلامی**. سال ۲۴، شماره ۲، ۱۳۳-۱۰۵.
- طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۳۸۲). **تفسیر المیزان، جلد ۳**. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عابدی جعفری، حسن، تسلیمی، محمدسعید، فقیهی، ابوالحسن و شیخ‌زاده، محمد. (۱۳۹۰). «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی». **دوفصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی**، سال ۵، شماره ۲، ۱۹۸-۱۵۱.
- علوی، سید بابک. (۱۳۹۶). **بازگشت به اصالت؛ ضرورتی برای کار و رهبری سازمانی در عصر کنونی**. تهران: انتشارات لوح فکر.
- کاشانی، مجتبی. (۱۳۹۵). **نقش دل در مدیریت**. تهران: سازمان مدیریت صنعتی، چاپ دوازدهم.
- Alavi, S. B., Gill, C. (2016). "Leading Change Authentically How Authentic Leaders Influence Followers Responses to Complex Change". **Journal of Leadership & Organizational Studies**. 24(2), 157-171.
- Banks, G. C., McCauley, K. D., Gardner, W. L., & Guler, C. E. (2016). "A Meta Analytic Review of Authentic and Transformational Leadership: A Test for Redundancy". **The Leadership Quarterly**. 27(4), 634-652.

- 
- Brown, M. E., & Trevino, L. K. (2006). "Ethical Leadership: A Review and Future Directions". **The Leadership Quarterly**. 17(6), 595-616.
  - Cerne, M., Jaklic, M., & Skerlavaj, M. (2013). "Authentic Leadership, Creativity, and Innovation: A Multilevel Perspective". **Leadership**. 9(1), 63-85.
  - George, B. (2010). **True North: Discover Your Authentic Leadership**. John Wiley & Sons.
  - Hsiung, H. H. (2012). "Authentic Leadership and Employee Voice Behavior: A Meta- Level Psychological Process". **Journal of Business Ethics**. 107(3), 349-361.
  - King, N. & C. Horrocks (2010). **Interviews in Qualitative Research**. London: Sage.
  - Patton, M. Q. (1990). **Qualitative Evaluation and Research Methods, Thousand Oaks**. CA: Sage.
  - Rhodes, R. A. W. (1997). **Coherence, Capacity and the Hollow Crown**. in Weller et al. (eds).
  - Sinkovics, R. R. (2008). "Enhancing the Trustworthiness of Qualitative Research in International Business". **MIR**. 48(6): 689-714.
  - Stirling, J. (2001). "Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research". **Qualitative Research**. 1(3): 385-405.
  - Terry, G. R. (1977). **Principles of Management**. Ill: Richard D. Irwin, Inc., 7<sup>th</sup> ed.
  - Walumbwa, F. O., Avolio, B. J., Gardner, W. L., Wernsing, T. S., & Peterson, S. J. (2008). "Authentic Leadership: Development and Validation of a Theory-based Measure". **Journal of Management**. 34(1), 89-126.
  - Twining, J. (2000). **A Naturalistic Journey into the Collaborator: In Search of Understanding for Prospective Participants**. Denton: Texas Woman's University.